

درک و تصور زنان از قربانی شدن

(مطالعه کیفی در شهر تهران)

سهیلا صادقی فسایی^۱

اعظم آهنگر سله‌بندی^۲

پروانه دانش^۳

مریم قاضی نژاد^۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۵

چکیده

قربانی و قربانی شدن مفاهیمی نسبتاً جدید است که در جرم‌شناسی سنتی کمتر به آن توجه شده است. اما نگاهی به مبانی نظری نشان می‌دهد تحقیقات این حوزه اخیراً به سوی قربانیان جرم چرخش داشته و بخشی از تحلیل‌های جرم‌شناختی بر فهم سبک زندگی قربانیان جرم متمرکز شده است. در حالی که جرم‌شناسی می‌پرسد: «چرا عده‌ای مرتکب جرم می‌شوند؟»، قربانی‌شناسی می‌پرسد: «چرا عده‌ای آماج اقدام‌های جرم‌آمیز قرار می‌گیرند؟» هدف این پژوهش دست‌یافتن به مفهوم قربانی شدن از نظر زنان و تبیین نظریه‌ای است که شرایط قربانی شدن را توضیح دهد. این تحقیق با کاربرد روش کیفی سعی دارد مفهوم قربانی شدن را از منظر زنان بشناسد. برای رسیدن به این هدف با ۴۶ زن تهرانی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. اما نتایج قابلیت تعمیم ندارد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مفهوم قربانی شدن بین زنان طیف وسیعی از احساسات را دربرمی‌گیرد. در تعریف زنان از مفهوم قربانی شدن سه مفهوم «حرمان زندگی» و «نداشتن منابع و اختیارات» و «آسیب‌پذیری» آشکار می‌شود. بنا بر روایت زنان، قربانی شدن احساسی واقعی است که با فرد می‌ماند. ویژگی‌های شخصیتی و فاکتورهای اجتماعی و اجبارهای فرهنگی از عواملی است که با ارجاع به مواردی چون «نگاه جنسیتی» و «سلطه مردانه» و «ساختارهای معیوب» قربانی شدن را توضیح می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌پذیری، روش کیفی، زنان، قربانی، قربانی شدن

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) ssadeghi@ut.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور و محقق مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران
۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور
۴. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا

مقدمه

اگرچه قربانی‌شناسی تا سال ۱۹۷۰ در حاشیه جریان اصلی جرم‌شناسی بود، توجه به قربانیان جرم در سال‌های اخیر موجب شد نظریه‌پردازی‌های متعدد در این زمینه صورت گیرد. امروزه بسیاری از صاحب‌نظران، از جمله دیگنان (۲۰۰۵) و گودی (۲۰۰۵)، قربانی‌شناسی را خرده‌دیسپلین جدید و روبه‌رشدی در درون جریان اصلی جرم‌شناسی تفسیر می‌کنند.

برخلاف جرم‌شناسی سنتی، که از بحث درباره قربانیان جرم غفلت می‌ورزید و آن‌ها را آسیب‌پذیران منفعل در نظر می‌گرفت، مطالعات متأخر بر نقش فعال قربانیان در شکل‌گیری جرایم علیه خودشان تأکید می‌کند؛ مثلاً ولفگانگ بر این موضوع پافشاری می‌کند که قربانی بعضاً می‌تواند تحریک‌کننده مجرم در جرم علیه خود باشد. به عبارت دیگر، وی در فعالیت‌های جرمی نقش فعال‌تری برای قربانی قائل می‌شود (ولفگانگ، ۱۹۵۸).

اگرچه در تأیید ایده ولفگانگ، به‌خصوص در جرایم خشن، داده‌های زیادی وجود دارد، نظریه وی را بعضی از نظریه‌پردازان فمینیست به‌شدت نقد کرده‌اند. آن‌ها بر آن‌اند که نوع نظریه‌پردازی وی می‌تواند به تبریته مجرمان و سرزنش قربانیان، به‌ویژه زنان در آزار جنسی علیه آنان، منجر شود (والکیت، ۲۰۰۷). شاید به همین دلیل به نظریه ولفگانگ در جریان اصلی جرم‌شناسی در سال ۱۹۶۰ کمتر توجه شد. اما در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ قربانی‌شناسان این انتقادات را به چالش کشیدند و توجه اذهان را به این مسئله جلب کردند که برای فهم قربانی‌شدن باید به بسترهای وسیع‌تر سیاسی و اقتصادی و بستر اجتماعی قربانی‌شدن توجه کافی داشت.

نظریه سبک زندگی نیز از نظریه‌هایی است که بر این ایده تأکید می‌کند که بعضی سبک‌های زندگی خطر قربانی‌شدن را افزایش می‌دهد؛ مثلاً ماجراجویی، نوع پوشش، حضور بی‌واهمه در فضاهای بی‌دفاع، همنشینی با گروه‌های کج‌رو، زندگی در مناطق جرم‌خیز، بی‌کاری، و جز آن از عواملی است که خطر قربانی‌شدن را افزایش می‌دهند. بر اساس این نظریه احتمال رخداد جرم بیشتر وابسته به نوع فعالیت‌های قربانی است تا مجرم.

کوهن و فلسون (۱۹۷۹) نیز با طرح نظریه فعالیت‌های روزمره تأکید می‌کنند قربانی‌شدن تابعی از الگوهای فعالیت‌های روزمره است. فلسون با تأکید بر سه عامل، از جمله دسترسی به آماج مناسب و عدم نظارت و حضور مجرم بانگیزه، قربانی‌شدن را توضیح می‌دهد. بنابراین

وی، الگوهای زندگی روزمره ما را وامی‌دارد برای کار، خرید، تفریح، و سایر فعالیت‌ها دائم در فضاهای عمومی حاضر شویم. در حین این جابه‌جایی‌ها امکان دارد فعالیت‌های ما آماج مناسبی را در اختیار مجرمان بانگیزه قرار دهد؛ مثلاً حضور شخص در محل‌های ناآشنا و جرم‌خیز می‌تواند از او آماج مناسبی برای قربانی شدن بسازد. یا حضور نداشتن شخص در خانه، در تعطیلات نوروز، می‌تواند خانه او را به آماج سرقت برای مجرم بانگیزه تبدیل سازد. اما آنچه نظریه فلسون را جالب می‌سازد تأکید وی بر تقارب و هم‌گرایی سه عامل فوق است. به نظر وی بدون یکی از این سه عامل احتمال ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. بنابراین، برای جلوگیری از جرم و قربانی شدن باید مانع تحقق هم‌گرایی سه عامل فوق شد. جرم‌شناسی درباره این مسئله تحقیق می‌کند که چرا عده‌ای مرتکب جرم می‌شوند و قربانی‌شناسی به دنبال پاسخ این پرسش است که چرا بعضی افراد یا خانوارها آماج مناسب‌تری برای فعالیت‌های مجرمانه می‌شوند و به دنبال تبیین ریشه آسیب‌پذیری قربانیان است.

مطالعات جرم‌شناسانه در ایران بیشتر بر مجرمان متمرکز است و کمتر درباره قربانیان جرم و سبک زندگی آن‌ها تحقیق می‌شود. بر اساس تحقیقات انجام‌شده، به‌رغم آنکه زنان کمتر از مردان در معرض آسیب‌های اجتماعی و جرائم‌اند، به‌مراتب بیشتر از مردان می‌ترسند. ترس از جرم می‌تواند الگوی زندگی زنان را به‌شدت متأثر سازد و فعالیت‌های آن‌ها را محدود کند. از طرف دیگر، موجب گسترش حس آسیب‌پذیری در آن‌ها می‌شود و حضور آن‌ها را در مناسبات اجتماعی خدشه‌دار می‌سازد. بنابراین، بررسی درک و تصور زنان از قربانی شدن و نگاهی به تجربه زیسته آن‌ها در این ارتباط ضروری است. شناسایی تجربه زنان در این زمینه می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و تأمین امنیت اجتماعی برای گروه‌های آسیب‌پذیر شود. مقاله حاضر درصدد است از دید زنان و بنا بر روایت آن‌ها به سؤال‌های که در پی می‌آید پاسخ دهد:

درک و تصور زنان از قربانی شدن چیست؟ زنان قربانی شدن را چگونه تفسیر می‌کنند؟ از دید زنان چه عواملی در قربانی شدن آن‌ها مؤثر است؟ قربانی شدن چه تأثیراتی بر زندگی زنان می‌گذارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی و بر پایه الهام از نظریه مبنایی^۱ بود. نظریه مبنایی با به‌کارگیری رویه‌های مشخص دستیابی به نظریه‌ای آزمایشی، مبتنی بر داده، را هدف قرار می‌دهد و در این زمینه از منطق استقرایی تبعیت می‌کند. در این روش مفاهیم و مقوله‌ها و گزاره‌های نظری اجزای اصلی نظریه مبنایی را تشکیل می‌دهند (اشتراوس^۲ و کوربن^۳، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۴).

نظریه برآمده از این روش شامل قضایایی منطقی است که می‌توان آن را به طور موقت آزمایش کرد (کرسول، ۲۰۰۷). در این روش به صورت گردبادی یا دورانی بین یافته‌های تحقیق و پرسش‌های تحقیق و مصاحبه‌ها رفت‌وبرگشت وجود دارد تا بهترین و دقیق‌ترین نتایج و مفاهیم استخراج شود. این روش معمولاً با هدف دستیابی به نظریه‌ای جدید یا توسعه نظریه‌های قبلی برای پوشش‌دهی موضوع به‌کار می‌رود (همان). بدیهی است نفع معرفتی نظریه مبنایی ایجاد و توسعه نظریه است و تعمیم‌پذیری آن مد نظر نیست، زیرا در تحقیقات کیفی قابلیت تعمیم ملاک کار قرار نمی‌گیرد.

در پژوهش حاضر اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با زنان جمع‌آوری و با استفاده از کدگذاری نظری تحلیل شد. کدگذاری نظری عملیاتی است که طی آن داده‌ها تجزیه و مفهوم‌سازی می‌شوند و به شکلی تازه کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۲۹). بر این اساس متن مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری باز و محوری و انتخابی تحلیل شد. در کدگذاری باز، با تجزیه و تحلیل سطر به سطر متن مصاحبه‌ها، مفاهیم اولیه استخراج شد و با مقایسه و دسته‌بندی مفاهیم مقولات به دست آمد. در کدگذاری محوری مقوله‌هایی که در مرحله کدگذاری باز تجزیه شده بودند در ترکیبی جدید به یکدیگر متصل و تعاریف اصلی قربانی شدن استخراج و شرایط علی میان قربانی شدن و دلایل آن جست‌وجو شد. گفتنی است کدگذاری باز در این تحقیق به روش اندیشه‌نگار^۴ انجام شد و همه توضیحات افراد، اعم از مهم و غیرمهم، کدگذاری شد. در کدگذاری انتخابی نیز کدگذاری محوری در سطحی انتزاعی‌تر ادامه یافت و تحلیل از

۱. در این تحقیق نویسندگان در کدگذاری از گراند نظریه الهام گرفتند، اما به صورت کامل از نظریه مبنایی پیروی نکردند.

2. Strauss
3. Corbin
4. Idiographic

سطح توصیفی فراتر رفت. در این قسمت قضایای منطقی برآمده از تحلیل کنار هم قرارگرفت تا جمع‌بندی نظری به‌دست آید.

جامعه هدف در پژوهش حاضر زنان ۱۸ تا ۵۵ ساله ساکن شهر تهران بودند. انتخاب نمونه با توجه به حداکثر تنوع بر اساس متغیرهایی چون سطح تحصیلات، طبقه، پایگاه اجتماعی، و وضع تأهل به صورت هدف‌مند و با استفاده از روش گلوله برفی صورت گرفت. بعد از ۴۶ مصاحبه، که در ماه‌های دی و بهمن سال ۱۳۹۱ انجام گرفت، اشباع داده حاصل شد. مصاحبه‌ها بنا بر پیشنهاد پاسخگویان در مکان‌هایی صورت گرفت که ایشان احساس راحتی می‌کردند. از این‌رو، مکان‌هایی چون کافی‌شاپ، باشگاه ورزشی، آرایشگاه، منزل مشارکت‌کننده، دفتر کار، و کلاس انتخاب شد. ابزار کار در این پژوهش دستگاه ضبط صدا^۱ بود و پس از مصاحبه اظهارنظرها در نرم‌افزار Atlas.ti مکتوب شد و هم‌زمان تحلیل داده‌ها صورت گرفت.

مشخصات زنان مطالعه‌شده

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از نظر سن و تحصیلات و مشخصات متفاوت بودند. سن زنان مطالعه‌شده بین ۱۸ تا ۵۵ سال بود. ۱۸ نفر (۳۹/۱۳٪) بین ۱۸ تا ۲۷ سال، ۱۷ نفر (۳۶/۹۵٪) بین ۲۸ تا ۴۰ سال، و ۱۱ نفر (۲۳/۹۱٪) بین ۴۱ تا ۵۵ سال بودند. ۲۲ نفر (۴۷/۸۲٪) شاغل، ۱۳ نفر (۲۸/۲۶٪) خانه‌دار، و ۱۱ نفر (۲۳/۹۱٪) دانشجو بودند. از نظر وضعیت تأهل ۲۷ نفر (۵۸/۶۹٪) متأهل، ۱۷ نفر (۳۶/۹۵٪) مجرد، و ۲ نفر (۴/۳۴٪) مطلقه بودند. نیمی از مشارکت‌کنندگان فاقد فرزند و بقیه مادر بودند. همچنین، در خصوص تحصیلات، ۴ نفر (۸/۶۹٪) ابتدایی و پایین‌تر، ۳ نفر (۶/۵۲٪) راهنمایی و سیکل، ۳ نفر (۶/۵۲٪) دبیرستان و دیپلم، ۱۴ نفر (۳۰/۴۳٪) فوق دیپلم و دانشجو، ۱۳ نفر (۲۸/۲۶٪) کارشناس، ۶ نفر (۱۳/۰۶٪) کارشناس ارشد، و ۳ نفر (۶/۵۲٪) دکتر بودند. در زمینه پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش باید گفت ۱۹ نفر (۴۱/۳۰٪) دارای پایگاه بالا، ۱۸ نفر (۳۹/۱۳٪) دارای پایگاه متوسط، و ۹ نفر (۱۹/۵۶٪) دارای پایگاه پایین بودند. دسته‌بندی پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر اساس متغیرهای چون تحصیلات، شغل، درآمد، و محل سکونت انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

در یافته‌های تحلیلی این پژوهش، پس از کدگذاری باز و محوری، مفاهیم و مصادیق قربانی شدن از منظر زنان استخراج و پس از آن روابط بین متغیرها مطالعه شد. داده‌ها بر اساس تم‌های اکتشافی در پی می‌آید.

مفهوم قربانی شدن از دید پاسخگویان

در تعریف زنان از مفهوم قربانی شدن به ۱۳ کد باز می‌توان اشاره کرد. زنان قربانی شدن را بی‌سرپرست شدن، اجبار به کاری یا چیزی، تجاوز جنسی، تعرض‌های کلامی و غیرکلامی، نبود شغل مناسب، محدودیت فردی یا جمعی یا ساختاری، مطیع تصمیم دیگران بودن، گذشت کردن یا فدا شدن به دلیل رعایت خواسته دیگران، ازدست دادن آبرو، خیانت به اعتماد، مورد سوءاستفاده قرار گرفتن، و مظلوم واقع شدن تعریف می‌کنند (جدول ۱).^۱

پس از کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی سه مفهوم اصلی قربانی شدن، از جمله «آسیب‌پذیری» و «سلب اختیارات و منابع از افراد، و «حرمان زندگی (بربادرفتن گذشته و آینده)» پدیدار شد (جدول ۲).

در توضیح این مفاهیم باید گفت پاسخگویان دسترسی نداشتن به منابع، سلب اختیارات، مجبور شدن به کاری یا پذیرش اجباری سلطه دیگران، بی‌سرپرستی، ازدست دادن آرزوها، و از خودگذشتگی افراطی را قربانی شدن تلقی می‌کنند؛ طوری که بعضاً تصور می‌کنند گذشته و آینده‌شان از دست رفته و به قابلیت‌های لازم دست نیافته‌اند. بدین ترتیب حرمان زندگی را مساوی با قربانی شدن می‌دانند. در بسیاری موارد نیز قربانی شدن را به معنی آسیب‌پذیری در مقابل مسائلی چون تجاوز جنسی، تعرض‌های کلامی و غیرکلامی، مورد خیانت واقع شدن، و آسیب دیدن به هر شکلی می‌دانند که خود در آن مقصر نبوده‌اند.

با توجه به آنچه یاد شد می‌توان گفت از نظر زنان قربانی کسی است که به دلیل آسیب‌پذیری در مقابل کج‌روی و جرم یا سلب منابع و اختیارات یا به دلیل عواملی که گذشته و آینده‌اش را بر باد داده در زندگی احساس حرمان کند.

۱. گفتنی است در برخی موارد زنان تعاریف متعددی از مفهوم قربانی شدن داشتند. از آنجا که کدگذاری باز با روش اندیشه‌نگار صورت گرفته است، تعداد فراوانی مفاهیم از تعداد مشارکت‌کنندگان بیشتر است.

می‌توان قربانی شدن را از منظر زنان چنین تعریف کرد: «قربانی شدن یک واقعیت و یک احساس است که با فرد می‌ماند و فرد خود را آسیب‌دیده شرايطی می‌داند که خود در آن دخالتی نداشته و کوتاهی از وی سرزنزده و ناخواسته زندگی‌اش تحت تأثیر قرار گرفته است.»

جدول ۱. تعریف قربانی شدن

فرآوانی	کد باز	تعریف قربانی شدن از نظر زنان (نمونه تعاریف)
۳	بی‌سرپرستی	آن که طلاق می‌گیرد یا طلاق می‌دهد قربانی‌ست، [...] کشته می‌شود قربانی است، بی‌سرپرست می‌شود قربانی است. به هر نحوی بی‌سرپرست شدن را قربانی می‌دانم (نمونه شماره ۲۲، ۵۵ ساله همسر شهید).
۱۲	مجبور شدن به کاری برخلاف میل	از نظر من قربانی کسی است که مجبور به کاری شود که دوست ندارد یا نباید انجام دهد، حالا هر چیزی می‌خواهد باشد؛ تجاوز و یا اجبار همسر به انجام کاری و یا اجبار در محل کار برای انجام دادن کاری باشد (نمونه شماره ۱۹، ۲۱ ساله، دانشجو، مجرد).
۳	تجاوز جنسی	کسی که مورد تجاوز واقع می‌شود قربانی می‌شود. حتی پسر بچه‌ها هم قربانی می‌شوند. اصولاً بچه‌ها بیشتر قربانی می‌شوند (نمونه شماره ۳، ۴۸ ساله، خانه‌دار).
۲	تعرض‌های کلامی و غیر کلامی	کسی که نخواهد اتفاقی برایش بیفتد یا کاری انجام بشود و به‌زور برایش انجام بشود، مثلاً کسی که خودش را قربانی حرف مادر شوهرش می‌داند، یعنی نمی‌خواهد این حرف‌ها را بشنود و می‌شنود و اقداماتی را در جهت اینکه آن اتفاقات نیفتد انجام می‌دهد، ولی آن اتفاق بیفتد. یا کسی که در خیابان مورد آزار مردها قرار می‌گیرد (نمونه شماره ۱، ۳۵ ساله، متأهل، پزشک).
۲	عدم دسترسی به فرصت‌ها (اشتغال)	وقتی دختری تحت تأثیر شرایط و جوی قرار بگیرد، تحصیل کند، اما نتواند در جامعه کاری کند و شغل داشته باشد قربانی شده است (نمونه شماره ۱۳، ۲۳ ساله، دانشجوی گرافیک).
۶	تبعض جنسیتی	آدمی که در شرایطی قرار می‌گیرد که آن شرایط باعث می‌شود در حقش ظلم شود. مثلاً من در محیط کارم چون خانم هستم شاید نتوانم خیلی از حرف‌هایم را به رئیسم بزنم. من قربانی رفتار جنسیت‌گرای رئیسم می‌شوم (نمونه شماره ۲۵، ۲۸ ساله، خبرنگار، مجرد).
	محدودیت‌های فردی، جمعی، ساختاری	کسی که به هر دلیلی محدود شود و نتواند آن‌طور که می‌خواهد زندگی کند؛ حالا می‌خواهد این محدودیت توسط شوهرش و یا به خاطر داشتن بچه ایجاد شده باشد (نمونه شماره ۳۸، ۲۸ ساله، هنرمند).

ادامه جدول ۱. تعریف قربانی شدن

فرآوانی	کد باز	تعریف قربانی شدن از نظر زنان (نمونه تعاریف)
۱۱	تحمیل اراده دیگران و تسلیم خواست دیگران شدن	کسی که هدفی را برای خودش گذاشته، یعنی بی هدف به دنیا نیامده و نمی خواهد هم از دنیا برود، یک هدفی را گذاشته و کاملاً هم دارد تمام تلاشش را می کند تا به هدفش برسد؛ ولی در مسیر چیزهایی به وجود می آید که مسیر را منحرف می کند. نمی گویم ۱۸۰ درجه، اصلاً مسیر را عمود می کند و اصلاً نمی فهمد که کجا بوده ای یا کجا داری می روی و تمام هدفش و آرزوهایش برای یک آدمی که به این دنیا آمده و می توانسته بهترین مخلوق خدا باشد. کسی که نتواند به خاطر تصمیم گیری اطرافش به هدفش برسد قربانی ست. (نمونه شماره ۱۰، ۳۰ ساله، کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی، مدرس مدعو).
۶	از خودگذشتگی افراطی برای رعایت خواسته های دیگران	کسی که از همه خواسته هایش و لذت هایش و آن چیزهایی که آن موقع به خاطر کسی گذاشت کنار خوب قربانی شده است (نمونه شماره ۳۹، ۳۰ ساله، خانه دار).
۴	از دست دادن آرزوها	آن که از چیزی که دلم می خواسته به خاطر اینکه کس دیگری به هدفش برسد گذشته ام. یک جور گذشت کردن، یعنی گذشت خیلی بزرگ از چیزی که خیلی برایم مهم بوده است (نمونه شماره ۴۰، ۲۴ ساله، معلم).
۵	خیانت به اعتماد	موضوعی پیش بیاید که به خاطر آن آرزوهای آدم بر باد برود. آدم با آرزوهایش زنده است (نمونه شماره ۱۴، ۴۳ ساله، خانه دار).
۳	مورد سوءاستفاده قرار گرفتن احساس بی قدرتی	کسی که از اعتمادش سوءاستفاده شود و به او خیانت شود قربانی است (نمونه شماره ۱۲، ۱۸ ساله، متأهل، خانه دار).
۸	مظلوم واقع شدن	کسی که از او سوءاستفاده شود به زور؛ حالا این زور می تواند جسمی باشد، روحی باشد، عاطفی باشد، و قدرت مقابله کردن با آن را نداشته باشد (نمونه شماره ۱۱، ۴۰ ساله، پزشک).
۱۵	آسیب پذیری ناخواسته	آدم مظلومی که توان حمایت از خود را ندارد و مورد ظلم واقع می شود و در موقعیتی است که نتواند از خودش دفاع کند (نمونه شماره ۲۳، ۲۷ ساله، کارمند بخش خصوصی، متأهل).
		کسی که آسیب دیده باشد و ناخواسته و بدون تقصیر آسیب دیده باشد قربانی است (نمونه شماره ۳۲، ۲۱ ساله، دانشجوی).
		قربانی کسی است که ناخواسته در مسیری قرار بگیرد که هیچ برنامه ای برایش ندارد و آسیب ببیند و قربانی آدم آسیب دیده ای است که ناخواسته در این مسیر قرار گرفته و هیچ کدام از موارد تقصیر خودش نبوده باشد (نمونه شماره ۴۶، ۳۷ ساله، دکتری، استاد دانشگاه).

جدول ۲. مفاهیم قربانی شدن

مقوله‌ها	کدهای باز
حرمان زندگی (گذشته و آینده بربادرفته)	بی‌سرپرستی از خودگذشتگی از دست دادن آرزوها
سلب منابع و اختیارات	تحمیل اراده دیگران و تسلیم خواست دیگران شدن فقدان فرصت‌ها محدودیت‌های فردی، جمعی، ساختاری تجاوز جنسی
آسیب‌پذیری در مقابل مسائل اجتماعی	تعرض‌های کلامی و غیرکلامی مورد سوءاستفاده قرارگرفتن آسیب‌دیدن به هر شکلی که فرد خودش را مقصر نداند

عوامل مؤثر بر قربانی شدن از دید پاسخگویان

تعریف زنان از مفهوم قربانی شدن برگرفته از تجربه زیسته آن‌هاست؛ طوری که هر فردی با توجه به تجربه خود به مواردی اشاره می‌کند. البته میان پاسخگویان افرادی نیز بودند که این مفهوم را به چالش کشیدند و خود را قربانی چیزی نمی‌دانستند؛ اما اکثریت قریب به اتفاق مشارکت‌کنندگان خود را قربانی مسائل مختلف می‌دانستند. در پاسخ به این سؤال که «علت قربانی شدن را چه می‌دانید؟» زنان خود یا اطرافیان خود را قربانی سادگی، فقدان مهارت‌های اجتماعی و شغلی، تغییر قوانین و سیاست‌های کشور، اعتیاد، افکار و کلیشه‌های قالبی، استیلاي جنس مذکر، نگاه جنسیتی، عدم ادغام اجتماعی، عدم دسترسی به فرصت‌ها به صورت عادلانه، و سایر مسائل اجتماعی می‌دانند. در این قسمت ۳۰ کد باز استخراج شد (جدول ۳).^۱

۱. گفتنی است برخی مشارکت‌کنندگان خود را قربانی موارد متعدد می‌دانستند. بنابراین تعداد فراوانی این جدول از تعداد مشارکت‌کنندگان بیشتر است.

جدول ۳. قربانی شدن زنان در زندگی

فراوانی	کد باز	زنان خود را قربانی موارد ذیل می‌دانند (نمونه گزارش‌ها)
۲	قربانی نشدم	اعتقادی به قربانی شدن ندارم. بیشتر برای هیجان‌دادن به یک مسئله‌ای این لغت را استفاده می‌کنند (نمونه شماره ۳۷، ۲۱ ساله، لیسانس هنر، کافه‌دار). بله، قربانی حرف‌هایی که درباره‌ام زده‌اند و نتوانستم از خودم دفاع کنم (نمونه شماره ۱۱، ۱۹ ساله، دانشجو).
۱۹	قربانی عدم مهارت‌های ارتباطی در تعاملات اجتماعی	سادگی‌ام. چون خانواده بی‌شیله‌پله‌ای هستیم و همه چیز را عین واقعیت مطرح می‌کنیم. قربانی این شده‌ایم که هر شخص سومی که می‌آید در زندگی مان حرفشان را راست می‌گیریم و دورویی در ما نیست و شیله‌پله در ما نیست. متأسفانه ما قربانی سادگی مان شده‌ایم. زندگی اولم قربانی سادگی‌ام شد و همه چیز را عین واقعیت می‌گفتم؛ ولی طرف این‌طوری نبود (نمونه شماره ۳۱، ۳۰ ساله، کارمند بخش خصوصی، مطلقه).
۳	تغییر قوانین و سیاست‌های غلط کشور	قربانی قانون. زمان من قانون کنکور عوض شد و من با رتبه‌ام می‌توانستم پزشکی قبول شوم؛ ولی نشدم (نمونه شماره ۴۱، ۲۳ ساله، کارشناس مامایی).
۴	بدسرپرستی و اعتیاد همسر	من قربانی اعتیاد همسر شدم. سال‌ها به خاطر اعتیاد افتاد زندان و من مجبور شدم با مادر شوهر زندگی کنم و بچه‌ها را بزرگ کنم. کتک خوردم و آزارهای زیادی دیدم (نمونه شماره ۱۷، ۴۵ ساله، پرستار).
۱۵	افکار و کلیشه‌های قالبی	ما همه قربانی افکار اطرافیانمان هستیم. هر چقدر این اطرافیان به ما نزدیک‌تر باشند، درصد قربانی بالاتر است. خیلی از اطرافیانم قربانی رفتار پدر و مادرشان و تعصب‌های بی‌جای خانواده و جامعه هستند (نمونه شماره ۳۸، ۲۸ ساله، مجرد، هنرمند).
۸	عدم مهارت در برخورد با آزار و تقاضاهای جنسی	من قربانی تابوی بکارت شدم و اینکه آگاهی لازم برای زندگی مشترک در زمینه جنسی نداشتم (نمونه شماره ۲۸، ۲۹ ساله، متأهل). بله. خانمی را در همین محله خزانہ دیدم که ازم خواست بلوتوثم را روشن کنم و برایم بلوتوث سکسی می‌فرستاد و حتی پیشنهاد جا و مکان هم به من داد که می‌خواستم بلایی به سرش بیاورم که فقط به خاطر اینکه آبروی خودم نرود چیزی نگفتم. خانم قواد بوده و مشکل داشته است ... هنوز که هنوزه اعصابم به هم می‌ریزد و با خودم فکر می‌کنم شاید من رفتاری داشتم که چنین پیشنهادی به من شده است (نمونه شماره ۱۳، ۲۳ ساله دانشجوی گرافیک).
۸۲	آزار جنسی	در محیط‌های کار و در بخش خصوصی اینکه شاید مدیران برای پرسنلشان ندانند تیز کنند ... جای دیگری که رفتم همان اول قضیه مطلقه‌بودنم را گفتم که

استخدامم به هم نخورد. مدیر مالی آنجا یک مدتی که گذشت گفت بیا با هم رابطه داشته باشیم یا بیا صیغه من شو و برایت خانه می گیرم و این موردها در جامعه ما متأسفانه هست (نمونه شماره ۴۰، ۳۳، ساله، سیکل، خانه دار).

بله. مربوط به الآن نیست. چند دفعه پیش آمده که از پشت یک دستی می زند یا می گیرند و می روند. اولین بار بچه بوم و فقط شروع کردم به گریه کردن. جرئت نداشتم داد و جیغ بزنم یا مرد را بزنم (نمونه شماره ۱۸، ۲۰، ساله، مجرد، دانشجو).

من یک بار دزدیده شدم. حدود پنج سال پیش بود که به خاطر چند پروژه به نازی آباد رفتم و از آنجا ماشینی درست گرفتم که بیایم خزانه. راننده گفت که از اتوبان بروم؟ من هم گفتم موردی ندارد. و از اتوبان وارد کوچه های فرعی جاده تهران - قم شد و من با کلی وسیله و مشمع خودم را از ماشین به بیرون پرت کردم که هنوز آثار جراحتش روی دستم مشخص است و تا یک هفته هم در رختخواب خوابیدم و حتی به خانواده ام هم ترسیدم بگویم. فقط خدا با من بود که در آن بیابان مأموران نیروی انتظامی رسیدند و برایم ماشین گرفتند (نمونه شماره ۱۳، ۲۳، ساله، گرافیست).

بله. همین که گفتم. در مورد تجاوزی که برایم اتفاق افتاد هم باید بگویم ... من ۱۷ ساله بودم که این اتفاق برایم افتاد. من خیلی ساده بودم. خیلی بچه بودم. اصلاً فکرش را نمی کردم (نمونه شماره ۷، ۲۶، ساله، متأهل، کارمند).

حدود پنج سال پیش ... رسیده بودم در منزلمان و منزل ما دقیقاً نبش یک خیابان فرعی است و خیابان پرترددی هم هست. ساعت ۴ عصر هم بود و ساعت خلوتی هم نبود. کلید انداختم در را باز بکنم. یک موتوری من را هل داد داخل و چاقو داشت و من را تهدید کرد و از من خواهشی داشت. من داد کشیدم و مادرم اینها نبودند. در را بست و ... (نمونه شماره ۳۵، ۲۵، ساله، متأهل، کارمند).

عموم ... در جاده ایلام تصادف کرد. خودش راننده بود. پدر زنش کنارش بود. خانمش فوت کرد و همه در کما رفتند، جز مادر و پدر زنش. عموم حافظه کوتاه مدتش را از دست داد. بابایم کارخانه داشت آن زمان و ما داشتیم همه چیز را تمام می کردیم و می خواستیم خارج از کشور زندگی کنیم و بابایم می آورد و خرج اینها کرد و پولها تمام شد. عموم خوب شد و بعد ما فقط توانستیم با آن پول برویم خیابان پیروزی یک خانه بخریم و تمام زندگی مان خرج شد. کارخانه قطعه سازی برای ایران خودرو داشت و با شوهر خاله ام و برادرش شریک بودند و وقتی بابایم تصادف کرد من هیچ پشتوانه ای نداشتم

۸ تجاوز و آزار جنسی

۲ حوادث غیر منتظره

- (نمونه شماره ۲۴، ۲۳ ساله، مجرد، کارمند بخش خصوصی).
- در زندگی اول قربانی شدم. خودم تصمیم نگرفتم برای ازدواج. قربانی شدم. بزرگ‌ترها تصمیم گرفتند و همین‌طوری ما را دادند رفتیم. واقعاً در آن زندگی قربانی شدیم. اذیت و آزار شدیم. مردی که از نظر روحی و روانی مشکل داشت و بچه‌های مریض و مشکل‌دار و زن را نمی‌فهمید و خیلی آدم ناهنجاری بود و سر هر چیز کوچک دعوا و جنجال و کتک‌کاری راه می‌انداخت. دندان می‌شکست. فک می‌شکست. دماغ را شکست و اصلاً متوجه نبود که منی که زخم در خانه دارم کار می‌کنم. هر روز می‌گفت چرا من کار کنم تو بخوری؟ من هم می‌رفتم خانه مردم کار می‌کردم و خرج خودم و بچه‌هایم را درمی‌آوردم و هر کاری می‌کردم تا او به من خرجی ندهد و خرجی هم اواخر نمی‌داد. بچه‌هایم ناتوانی ذهنی داشتند. قربانی تصمیم‌گیری‌های بزرگ‌ترها شدیم (نمونه شماره ۳۳، ۴۰ ساله، خانه‌دار).
- امثال من و خواهرم که حرف‌های بی‌خود و زننده شنیدیم و جوانی‌مان هدر رفت. کسی که زندگی‌اش هدر برود قربانی است. خوب، زندگی اولمان هدر رفت و در زندگی دوم هم خیلی سختی کشیدیم تا آن را بسازیم. قربانی کسی است که سختی در زندگی زیاد بکشد. جوانی‌اش تباه شود. وقتی می‌نشینم می‌بینم جوانی‌ام بی‌خودی تباه شده. اگر شوهرانمان شهید نمی‌شدند، آن‌قدر اذیت نمی‌شدیم (نمونه شماره ۴۲، ۵۱ ساله، همسر شهید، خانه‌دار).
- بله. تمام عمرم قربانی بودم. شوهرم به من خیانت کرد. احساس می‌کنم قدرت مقابله نداشتم. وقتی بهش گفتم انکارش کرد. وقتی فکر کردم باید مقابله کنم با این رفتار از هر طریقی حالا یا با طلاق و ... چون فکر کردم بچه‌ها و پدر و مادرم آسیب می‌بینند. له شدم؛ ولی صدایم درنیامد (نمونه شماره ۴۰، ۱۵ ساله، پزشک).
- پدرم به مادرم خیانت کرد. با یک زن ناسالم ارتباط برقرار کرد ... کارشان به طلاق کشید ... برجسب بچه طلاق خیلی توی مدرسه و زندگی من و خواهرم را اذیت کرد ... از ۱۲ سالگی مجبور شدم جای مادرم را در خانه بگیرم و خواهرم را تروخسک کنم ... من قربانی خیانت پدرم شدم (نمونه شماره ۳۶، ۲۱ ساله، مجرد).
- همسرم زیاد گیر می‌دهد که بیرون بروم و معتقد است زن برای خانه است و آشپزخانه و باید غذا ببزد و این‌جور کارها را بکند (نمونه شماره ۱۲، ۱۸ ساله، خانه‌دار).
- زمانی کتابخانه می‌رفتم که رئیس کتابخانه تا من می‌آمدم می‌آمد رویه‌رویم در

۱۳ ازدواج اجباری

۷ بی‌سرپرستی

۱۲ خیانت در روابط خانوادگی

۱۵ سلطه مردانه

۲۵ در نظر گرفتن زنان به

	<p>فاصله‌ای دورتر می‌نشست. آن‌قدر خیره نگاه می‌کرد و گاه با دست اشاره‌هایی می‌کرد ... همه این مسائل، مثل رفتار زشت رئیس کتابخانه. مدت‌ها من نرفتم کتابخانه. حتی کار هم نمی‌پذیرفتم. این یک جور قربانی شدن است و من را از فضا دور کرد و هنوز این واهمه را دارم ... (نمونه شماره ۹، ۴۱ ساله، پژوهشگر پاره‌وقت).</p>
<p>۴</p> <p>آسیب طلاق</p>	<p>کل خانواده‌ام به خاطر طلاقم دچار مشکلاتی شدند. زندگی خودم، یک بخشی از جوانی‌ام قربانی شده و از بین رفته. شاید برای خودم و خانواده‌ام تأثیر داشته و آسایش به خانواده‌ام هم رسید. شاید مادر من سلامتی‌اش را از دست داده؛ چون مادرم سهیم بوده و پدرم هم نگاه‌های جامعه و این‌ها و خواهر و برادرهایم هم از نظر روحی آسیب دیده‌اند (نمونه شماره ۳۰، ۳۱ ساله، مطلقه، کارمند بخش خصوصی).</p>
<p>۳</p> <p>فقدان فرصت‌های شغلی، فقدان درآمد، فقدان فرصت ازدواج</p>	<p>کم‌شغلی و گرانی مشکلات اصلی من است. به هر حال درس خواندم و زحمت کشیدم. بعد الان که کار پیدا نمی‌کنم خانواده‌ام دایم فشار می‌آورند که شوهر کن و هر کسی که می‌آید خواستگاری، حتی اگر شرایط مناسبی نداشته باشد، کلی جنجال به‌پایمی‌کنند که کار که نداری، درس که نمی‌خوانی، چرا شوهر نمی‌کنی؟! (نمونه شماره ۱۳، ۲۳ ساله، گرافیست)</p>
<p>۳</p> <p>دست‌کم گرفتن زنان در جامعه</p>	<p>بله. پیش آمده مثلاً من خوب درس می‌دهم و این اعتماد را به خودم دارم که برای انتقال یک چیزی تمام تلاشم را می‌کنم. ولی می‌دانم که سال‌های اول تدریس وقتی اسمم را روی برد می‌دیدند می‌گفتند که خانم‌ها خوب ریاضی تدریس نمی‌کنند. این برای من خیلی سخت بوده که بشنوم و جلسه اول رفته‌اند سر کلاس آقا ... (نمونه شماره ۱۰، ۳۰ ساله، کارشناس ارشد ریاضی کاربردی، دارای مدال طلای المپیاد ریاضی، مدرس مدعو).</p>
<p>۲</p> <p>ناتوانی در انجام دادن نقش زنانه</p>	<p>زندگی اولم هم به خاطر بچه‌دارنشدم قربانی شدم (نمونه شماره ۶، ۴۷ ساله، پنجم ابتدایی، خانه‌دار).</p>
<p>۶</p> <p>از خودگذشتگی به دلیل رعایت نقش‌های سنتی</p>	<p>قربانی فرزندانم شدم. چون خواستگارهای جوان‌تری داشتم. ولی به خاطر فرزندانم نتوانستم ازدواج دوم موفق‌تری داشته باشم. قربانی مادربودنم شدم تا فرزندانم آینده بهتری داشته باشند (نمونه شماره ۶، ۴۷ ساله، همسر اول فوت شده و دوباره ازدواج کرده است).</p>
<p>۸</p> <p>قربانی جرایم</p>	<p>کیفم را در خیابان زدند. بچه کوچک بغلم بود و کیفم را از روی دوشم کشیدند. شانس آوردم که بندش پاره شد و من و بچه را روی زمین نکشیدند. بدنم زخمی شده بود و مدت‌ها درد داشتم. بچه‌ام هم آن‌قدر ترسیده بود که مدت‌ها توی خواب یک‌دفعه جیغ می‌زد و گریه می‌کرد (نمونه شماره ۱، ۳۵)</p>

		<p>ساله، پزشک، متأهل).</p> <p>ما قربانی بدبختی‌های خانواده شدیم و نتوانستیم تحصیلات خوب و فرهنگ خوب را از خانواده بگیریم. ولی فرزندان ما به هر حال یک حداقل تحصیلاتی دارند. ولی خانواده‌های ما درگیر بدبختی خودشان بودند و نتوانستند از ما حمایتی بکنند (نمونه شماره ۲۹، ۳۸ ساله، خانه‌دار).</p>
۷	مشکلات بین نسلی و عدم حمایت خانواده	<p>بله. خیلی. مثلاً وقتی در محل کارت نفری که مسئولیتی در قبال تو دارد کاری را بدون نظر تو انجام دهد من قربانی او می‌شوم. می‌خواهد تغییر شغل و وظایفم باشد یا چیزهای دیگر ... اینکه اصلاً به آدم نگویند که چه تغییری می‌خواهند بدهند و نقش تو چیست، اینکه اصلاً به حسابت نیاورند برایم پیش آمده است (نمونه شماره ۵، ۲۹ ساله، دانشجوی ارشد برق، کارمند سازمان دولتی).</p>
۸	نادیده‌گرفته‌شدن	<p>اصلاً رفت‌وآمد با وسایل نقلیه خیلی مشکل‌ساز است. مثلاً خودم اگر با ماشین خودم بروم، آنقدر ترافیک است و آنقدر راننده‌های خانم را اذیت می‌کنند که وقتی برمی‌گردم کلی حرص خورده‌ام و اذیت شده‌ام. سوار تاکسی می‌شوی راننده‌ها سر کرایه اذیت می‌کنند، بقیه پول آدم را نمی‌دهند، و ... تازه اگر یک سبیل‌کلفت کنارت ننشسته باشد و اذیت نکرده باشد. سوار مترو و اتوبوس می‌شوی آنقدر شلوغ است که دنده‌های آدم می‌شکند. من خیلی موقعیت‌ها را به خاطر وضعیت وسایل نقلیه توی تهران از دست دادم. آنقدر اذیت شده‌ام، آنقدر کنار خیابان برایم نگه داشتند، آنقدر توی تاکسی اذیت شدم که عطای برخی کارهای مسیر دور را به لقایش بخشیدم. خیلی از پروژه‌ها و ... (نمونه شماره ۴۶، ۳۷ ساله، مدرس دانشگاه، دکتری).</p>
۲۹	مشکلات اجتماعی در فضاهای شهری	

در کدگذاری محوری و انتخابی کدها به سه مورد کاهش یافت: نگاه جنسیتی^۱، سلطه مردانه، ساختارهای معیوب جامعه (اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، شهری). منظور زنان از ساختارهای معیوب ساختارهایی است که فرصت‌های لازم را برای ارتقا در اختیار زنان قرار نمی‌دهد و دائم آن‌ها را نسبت به مردان در موضعی فروتر قرار می‌دهد. زنان این ساختارها را تبعیض‌آمیز توصیف می‌کنند (نمودار ۱).

<p>نداشتن مهارت‌های اجتماعی و شغلی</p> <p>تغییر قوانین و سیاست‌های کشور</p> <p>اعتیاد</p> <p>حوادث غیرمنتظره</p> <p>بی‌سرپرستی</p> <p>بدسرپرستی</p> <p>طلاق</p> <p>نیبود اشتغال و درآمد</p> <p>درگیری در نقش‌های سنتی</p> <p>قربانی جرایم</p> <p>عدم حمایت خانواده</p> <p>مشکلات اجتماعی</p>	<p>افکار کلیشه‌ای و قالبی</p> <p>ازدواج اجباری</p> <p>خیانت</p> <p>سلطه مردانه</p> <p>بی‌اعتمادی به خانم‌ها</p> <p>ناتوانی در انجام‌دادن</p> <p>نقش‌های زنانه</p> <p>نادیده‌گرفته‌شدن</p>	<p>آزار جنسی</p> <p>سوءاستفاده جنسی</p> <p>تجاوز</p>
<p>قربانی شدن ناشی از ساختارهای معیوب (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی، شهری)</p>	<p>قربانی شدن ناشی از سلطه مردانه</p>	<p>قربانی شدن ناشی از نگاه جنسیتی</p>

نمودار ۱. کدگذاری انتخابی: موارد قربانی شدن و عوامل مؤثر بر آن

اشاره به بعضی از مضامینها مفاهیم فوق را بیشتر آشکار می‌کند:

متأسفانه مردها عادت کرده‌اند که به ما زن‌ها به چشم ابزاری برای برآوردن امیالشان نگاه کنند. اصلاً هم برایشان رضایت طرف مهم نیست. به همین خاطر می‌بینیم که توی خیابان و یا حتی مهمانی‌ها متلک‌های جنسی می‌اندازند و یا حرکات زشتی می‌کنند و یا گاهی اصلاً پیشنهادهایی می‌دهند (نمونه شماره ۸، ۲۰ ساله، دانشجوی، در ۱۶ سالگی مورد تجاوز واقع شده است).

زنان بسیاری از مشکلات خود را ناشی از نابرابری‌های جنسیتی می‌دانند و در این زمینه به سلطه مردان به منزله یکی از عوامل اساسی قربانی شدن در روابط اجتماعی اشاره می‌کنند. سلطه مذکر ممکن است به پدرسالاری نیز ارجاع شود. در این صورت پدرسالاری سیستمی اجتماعی

است که مردان در آن نقش مسلط را در همه نهاد‌های اجتماعی بر عهده دارند و به صورت مختلف می‌توانند زنان را تحت کنترل و انقیاد خود درآورند. به عبارت دیگر سلطه مذکر خشونت‌ی نمادین علیه زنان تفسیر می‌شود؛ خشونت‌ی که زنان دائم با آن مواجه‌اند و به صورت نامریی زندگی آن‌ها را احاطه کرده است.

(تجربه قربانی‌شدن) خیلی زیاد برام پیش آمده ... مردها اعتماد به نفس زن‌ها را گرفته‌اند در جامعه‌مان و این جامعه را دچار مشکل می‌کند (نمونه شماره ۲۷، ۳۲ ساله، متأهل، مربی رانندگی).

خانم‌ها مدت زیادی در فضای اجتماعی نبودند و توانایی‌هایشان کمتر شده است. مثل رانندگی که واقعاً خانم‌ها مهارتشان کم است و توانایی و اعتماد به نفسشان کم شده است. دوم پذیرفته‌نشده‌شان توسط آقایان در جامعه است. مثلاً توی بانک اگر پشت باجه خانم باشد، می‌روند پشت صنفی می‌ایستند که آقا کار انجام می‌دهد و می‌گویند خانم کند کار می‌کند. این مشکل با کمی کارکردن حل می‌شود و می‌پذیرند. من خودم وقتی رفتم سر کار رئیس‌مان می‌گفت من خانم نمی‌خواهم. یک روز حامله می‌شوند، یک روز شوهرشان مریض می‌شود، و ... کار را لنگ می‌گذارند (نمونه شماره ۱، ۳۵ ساله، پزشک).

برخی مشارکت‌کنندگان خود را قربانی سازوکارها در ساختارهای معیوب می‌دانند. آن‌ها به مواردی چون بی‌کاری، طلاق، مسائل خانوادگی، اعتیاد، جنگ، عدم قوانین حمایتی، و ناکارآمدی بوروکراسی اشاره می‌کنند.

اصلاً رفت‌وآمد با وسایل نقلیه خیلی مشکل‌ساز است. مثلاً خودم اگر با ماشین خودم بروم، آن‌قدر ترافیک است و آن‌قدر راننده‌های خانم را اذیت می‌کنند که وقتی برمی‌گردم کلی حرص خورده‌ام و اذیت شده‌ام. سوار تاکسی می‌شوی، راننده‌ها سر کرایه اذیت می‌کنند، بقیه پول آدم را نمی‌دهند و ... تازه اگر یک سبیل‌کلفت کنارت ننشسته باشد و اذیت نکرده باشد. سوار مترو و اتوبوس می‌شویم، آن‌قدر شلوغ است که دنده‌های آدم می‌شکند. من خیلی موقعیت‌ها را به خاطر وضعیت وسایل نقلیه توی تهران از دست دادم. آن‌قدر اذیت شده‌ام، آن‌قدر کنار خیابان برایم نگه داشتند، آن‌قدر توی تاکسی اذیت شدم که عطای برخی کارهای مسیر دور را به لقاییش بخشیدم. خیلی از پروژه‌ها و ... می‌دانید، من فکر می‌کنم آن‌قدر زیرساخت‌های شهری و نظارتی ما در

این حوزه ضعیف هستند که اصلاً شهرنشینی خودش برای آدم‌ها باعث مشکل و آسیب می‌شود (نمونه شماره ۴۶، ۳۷ ساله، مدرس دانشگاه، دکتری).

شرایط علی مفهوم قربانی شدن

مطابق مدل الگویی اشتراوس و کوربن، شرایط علی بر حوادث یا وقایعی دلالت دارد که به وقوع یا رشد پدیده‌ای منتهی شود (اشتراوس و کوربن، ۱۳۸۵: ۱۰۱). منظور از شرایط علی در پژوهش حاضر وقایعی است که در زندگی زنان پیش آمده و باعث شده آن‌ها تعریفی خاص از مفهوم قربانی شدن داشته باشند.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد «قربانی شدن یک احساس واقعی است که با فرد می‌ماند و فرد خود را آسیب‌دیده شرایطی می‌داند که خود در آن دخالتی نداشته و کوتاهی و اشتباهی از وی سرزده و زندگی‌اش تحت تأثیر قرار گرفته است». آنچه در مصاحبه‌ها دیده می‌شود این است که زنان با توجه به تجربه‌های خود قربانی شدن را تعریف می‌کنند؛ مثلاً نمونه شماره ۲۲ زنی ۵۵ ساله است که خود و خواهرش همسر شهیدند و دوباره ازدواج کرده‌اند و هر دو فرزند هم دارند. تعریف ایشان از قربانی شدن معادل بی‌سرپرست شدن است و علت آن را جنگ می‌دانند. در نتیجه اگر قرار باشد رابطه‌ای علی بین تعریف ایشان از قربانی شدن به مفهوم «حرمان زندگی (گذشته و آینده بر باد رفته)» و احساس «قربانی جنگ شدن» برقرار کنیم، به علت ریشه‌ای آن یعنی مفهوم «ساختارهای معیوب سیاسی» می‌رسیم. بدیهی است درباره مفاهیم اصلی (حرمان زندگی، سلب منابع و اختیارات، آسیب‌پذیری)، که در تعریف قربانی شدن شناسایی شدند، نمی‌توان وقوع یا تحقق آن‌ها را صرفاً به یک عامل تأثیرگذار ارجاع داد، بلکه ترکیبی از عوامل برای تحقق آن‌ها وجود دارد؛ مثلاً مفهوم «حرمان زندگی» متأثر از سلطه مردانه و ساختارهای معیوب است یا «سلب منابع و اختیارات» متأثر از ساختارهای معیوب و سلطه مردانه است یا «آسیب‌پذیری» متأثر از عوامل مختلفی نظیر سلطه مردانه و نگاه جنسیتی و ساختارهای معیوب فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و شهری است.

بحث و نتیجه‌گیری

با آغاز دهه ۱۹۶۰ توجه به قربانیان جرم تحت تأثیر جنبش‌های فمینیستی شکل جدیدی به خود گرفت و شناخت ویژگی‌های آن دسته از زنان که قربانی جرائم می‌شوند از یک سو و شناسایی

راهکارهای جلوگیری از قربانی شدن از سوی دیگر اهمیت یافت. رویکرد جرم‌شناسان از مجرم‌محوری به سوی قربانی‌محوری و شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات افرادی که قربانی جرایم می‌شوند تغییر جهت یافت. اهمیت قربانی‌شناسی در مباحث جرم‌شناسی در مواردی مانند آشکارشدن جرایم پنهان یا به‌دست‌آوردن آمارهای آن نیز اهمیت دارد، زیرا بعضی از جرایم به علت عدم پیگیری قربانیان هرگز شناخته نمی‌شوند و به آن‌ها رسیدگی نمی‌شود. همچنین، مطالعات قربانی‌شناسی از حیث شناخت ویژگی‌های قربانیان و دستیابی به نوع‌شناسی، شناسایی آثار و پیامدهای قربانی شدن و تأثیر جرم بر زندگی قربانیان و اجتماع نیز از اهمیت خاصی دارد. یکی از آثار بسیار مهم این دسته از مطالعات بررسی مسئله ترس از جرم و قربانیان تجاوز است که با رونق‌گرفتن رویکرد قربانی‌محور به آن توجه شده است. افراد مختلفی درگیر ترس از جرم می‌شوند، که با ترس از قربانی شدن همراه است. برخی نیز به آثار قربانی شدن افراد بر سطح جامعه و بالارفتن ترس از جرم در سطح وسیع پرداخته‌اند. آن‌ها بر آن‌اند که آگاهی افراد از قربانی شدن دیگران ترس آن‌ها را از قربانی شدن خود افزایش می‌دهد و عوامل محیطی نیز آن را تشدید می‌کند (سلونی و زارافونیتو، ۲۰۰۸). ترس از جرم و قربانی شدن موجب احساس ناامنی می‌شود و اثر مستقیم بر کیفیت زندگی افراد می‌گذارد (کریستمن و رگرسن، ۲۰۰۴).

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد قربانی شدن نزد زنان تعریف یکدست و یکپارچه‌ای ندارد و قربانی شدن را بسیار متنوع تعریف می‌کنند و برای آن مصادیق متعددی برمی‌شمارند. نگاه زنان به قربانی شدن تابعی از تجربه‌های واقعی آن‌ها و نزدیکان آن‌ها از یک سو و ویژگی‌های طبقاتی و اجتماعی آن‌ها از سوی دیگر است؛ اما آنچه فارغ از ویژگی‌های فردی و طبقاتی میان همه زنان پاسخگو در این مطالعه دیده می‌شود ارتباط قربانی شدن با مفهوم آسیب‌پذیری در مقابل مسائل اجتماعی است. زنان آزارهای جنسی، خشونت‌های نمادین، تبعیض جنسیتی، سلب اختیارات، و محدودیت فرصت‌ها را از مصادیق جدی قربانی شدن می‌دانند و بر این باورند که علت قربانی شدن را باید در ساختارهای نابرابر و عدم دسترسی به منابع جست‌وجو کرد. مفهومی که بیش از هر مفهوم دیگری در مصاحبه‌ها نمودار می‌شود ارجاع زنان به استیلاي جنس مذکر به منزله عاملی است که زنان را تحت انقیاد و کنترل درمی‌آورد.

از دید زنان حاکمیت نظام مردسالاری و افکار قالبی و کلیشه‌ای، که از طریق جامعه‌پذیری دائم بازتولید می‌شود، از یک سو و عدم حمایت‌های قانونی از سوی دیگر زنان را در موضع فروتری قرار می‌دهد و آن‌ها را در مقابل مسائل اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازد. حتی زنان بعضی

ویژگی‌های فردی، مانند نداشتن مهارت‌های اجتماعی و سادگی را به ساخت‌های کلان اجتماعی نسبت می‌دهند و بر این باورند که اگرچه سبک زندگی می‌تواند در آسیب‌پذیری مؤثر باشد، آنچه بیش از سبک زندگی نمودار می‌شود عدم توازن در روابط و مناسبات اجتماعی است که دائم زنان را با محرومیت فردی و اجتماعی مواجه می‌کند و زمینه قربانی شدن آن‌ها را فراهم می‌آورد.



منابع

- اشتراوس، آنسلم و کورین، جولیت (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنايي، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- Walklate, Sandra (2007), **Understanding Criminology, Current theoretical debates**, 3th edition, McGraw-Hill, Open University Press McGraw-Hill.
- Christmann, Cris and Michelle, Rogerson (2004), **Crime, Fear of Crime and Quality of life Identifying and responding to problems**, Sheffield Hallam University.
- Cohen, L. E. and Felson, M. (1979), Social change and crime rate trends: a routine activity approach . **American Sociological Review**, No 44: 588-608.
- Creswell, john W. (2007), **Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches**. [ed.] University of Nebraska. London, new delhi : Sage publications Thousand Oaks.
- Dignan, J. (2005), **Understanding Victims and Restorative Justice**, Maidenhead: Open
- Goodey, J. (2005), **Victims and Victimology: research, policy and practice**, Harlow: Pearson Education Ltd.
- Tseloni, Andromachi and Zarafonitou, Christina (2008), Fear of Crime and Victimizationc, A Multivariate Multilevel Analysis of Competing Measurements , **European Journal of Criminology**, No 5: 387-409.
- Wolfgang, M.E. (1958), **Patterns in Criminal Homicide, Philadelphia**: University of Pennsylvania Press.